

شعر	مصطفی شاه کرمی
 «در حلقه رندان» بر گزار شد	
صد و هفتادمین شب شعر طنز	
ماشین و زمین و غیره ارزانی‌تان من منتظر م بن کتابم بدهید	
شاعران طنزپردازانی که در یکصد و هفتادمین شب شعر طنز «در حلقه رندان» حاضر شده بودند، اشعار متنوعی درخصوص مسائل روز، از انتظار برای گرفتن پسن کتاب و گران شدن ماکارونی تا گلایه یک درد به مأمور ناجا به سبک شعر معروف «مست وهشیار» پروین اعتصامی برای حاضران قرائت کردند.	
یکصد و هفتادمین شب شعر طنز «در حلقه رندان» ویژه روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و پاسداشت زبان فارسی با حضور برخی چهره‌های برجسته عرصه شعر طنز از جمله یوسفعلی میرشکاک، ناصر فیض، اسماعیل امینی و جمعی از نویسندگان طنزپرداز در حوزه هنری برگزار شد. راشد انصاری، یکی از قدیمی‌ترین اعضای حلقه رندان، نخستین کسی بود که به شعرخوانی پرداخت. وی ضمن ابراز خرسندی از اینکه بعد از سال‌ها مجدداً در حلقه رندان قرار گرفته، شعرش را برای حاضران قرائت کرد.	
با پاسخ این حرف حسام بدهید	
یا مثل گذشته همیشه قرص خوابم بدهید	
ماشین و زمین و غیره ارزانی‌تان من منتظر م بن کتابم بدهید	
پس از شعرخوانی کوتاه راشد انصاری نوبت به ناصر فیض رسید که غزل «پدر مسلمین در آمد که» را برای حضار بخواند.	
پدر مسلمین در آمد که	
دو سه میلیون نشد درآمد که	
آدمی چونکه پیر شد	
دیگر صبح ناشب نمی‌تواند که	
باید از بیست نمره انسان بیست باشد	
نه بیست از صد که	
می‌شود رخ‌د از تن سوزن	
سوزن از نخ نمی‌شود رد که	
یارم آدم پس از دو ثانیه رفت	
این نشد طرز قی و آمد که	
رشد انسان قواعدی دارد	
فقط این رشد نیست از قد که	
یک جوان تاب ندی نمی‌ماند بعد از سر بازیش مجرد که	
تا قیامت نمی‌رسی هرگز با قطار یکن به مشهد که	
چونکه کفایت نمی‌کند تنها اختیار بلیت مقصد که	
طنزپرداز گاه معترض است نیست جایز برای او حد که	
ابوالقاسم سیفی، شاعر طنزپرداز دیگری بود که روی سن آمد و گفت: من پس از سال‌ها بالاخره توفیق شد که برای نخستین بار در حلقه رندان جا شوم. چون آقای شکبیا گفتند به گرانی‌ها بپردازید، من کاری به مسئولان ندارم، اما مخاطب شعر من ماکارونی است.	
سیفی در ادامه خطاب به ماکارونی سرود:	
توبی که در دراز وزیدی رو به گرانی کردی	
ماکارونی بی‌نمک بری دیگه بر نگردی	
ای تو سر کار رس	
زیاده از سرت سس	
عباس محمد، طنزپرداز در ادامه شعر طنزی به سبک شعر معروف مست وهوشیار پروین اعتصامی برای حاضران خواند.	
خوب ترس من ز ناجا، از ناجا بیشتر!	
دشمن‌اند انکار با صنف شریف سارقین!	
صنف ما را می‌کنند افسوس، رسوا بیشتر	
گفتش: سر کار، «پن پیراهن است افسار نیست»	
من ندارم غیر از این مال دنیا، بیشتر	
نصفه شب اینجا چه می‌خواهی؟ بگو ها؟ گفتش:	
کار ما شب زنده‌داران، هست شب‌ها بیشتر!	
بروشهرگر و محقق درباره طنز و طنزپردازانی گفت: یکی از مباحث کارساز در طنز صنعت تعریف است؛ تعریف یعنی یک کلمه را با شکل دیگری بسازیم، مرحوم کیومرث صابری در گل آقااز این صنعت بسیار استفاده می‌کرد. برای پی گرفتن صنعت تعریف در ادبیات من تصور نمی‌کنم بتوانم چیزی قدیمی‌تر از خزائن ملاحمد نراقی پیدا کنیم. شعر معروف او این است که می‌گوید «صاف کجا رفتم ببین مدرسه کردند، جایی که در آن میکده بنیاد تکران کرد». او از مجتهدان بزرگ کاشان و صاحب کتاب معراج‌الساده است.	

۱۲ یادداشت
محمدصادق عابدینی

روز بزرگداشت فردوسی،امسال با سال‌های پیش تفاوت بزرگی داشت. امسال بیش از اینکه دوستداران زبان فارسی و ایرانیان نام شاعر ملی خود را به زبان آورند، دشمنان ایران در شبکه‌های تلویزیونی ماهوارهای و فضای مجازی تا توانستند به تخریب فردوسی برخاستند. اگرچه برخی محققان و پژوهشگران زبان فارسی معتقدند که بیت مشهور «بسی رنج بردم در این سال سسی» عجم زنده کردم بدین پارسی» از سروده‌های حکیم طوس نیست، اما آنچه فردوسی بزرگ برای زنده کردن فرهنگ و زبان فارسی انجام داد، کمتر از احیای یک بیمار رو به مرگ نبود. شاید اهمیت کار فردوسی برای ما ایرانیان کمتر قابل درک باشد، همان طور که ممکن است وقتی در کنار یک اثر هنری بزرگ قرار بگیریم، ابعاد آن را اثر باعث شود که زیبایی آن کمتر به چشم بیاید. در این موقعیت‌ها باید به فاصله‌ای مناسب برویم و دوباره به آن اثر هنری نگاه کنیم. آنچه ما به هنوز از کار فردوسی درک نکرده‌ایم، ملتهای دیگر به خوبی درک کرده‌اند؛ مانند حسرتی که مصری‌ها هنوز در دل دارند از اینکه شخصیتی مانند فردوسی نداشتند تا فرهنگ غنی چند هزار ساله مصر را حفظ کند. حکایت مشهوری است درباره اینکه از حسنین هیکل، روزنامه‌نگار و اندیشمند مصری می‌پرسند: «چرا مصر با آن همه عظمت و پیشینه تمدنی خود، عرب‌زبان شد؟» وی در پاسخ گفت: «چون ما فردوسی نداشتیم!» جایگاه فردوسی برای زنده کردن زبان فارسی، تقریباً غیر قابل کتمان و چشم‌پوشی است. با این حال در سال‌های اخیر، جریان‌های ضد ایرانی تلاش دارند با حمله به جایگاه فردوسی، زبان فارسی را به عنوان زبان ملی ایران و عامل وحدت فرهنگی تضعیف کنند. تلاش‌های شبکه سعودی ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی برای زیر سؤال بردن ملی بودن زبان فارسی، که بخشی از پازل ایجاد ناآرامی و تقویت



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران مدیرعامل و مدیرمسئول: محمدجواد اخوان سردبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸ روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸؛ نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴ توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان www.javanonline.ir | روزنامه جوان | شماره ۶۴۵۸ | چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ | ۱۶ شوال ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۵ | اذان مغرب: ۲۰:۲۵ | نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۰ | اذان صبح فردا: ۵:۱۷ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۷

اعتراض‌ها به طرحی برای قاچاق میراث تاریخی

در بررسی بندهای طرح موسوم به «استفاده بهینه از اشیای باستانی و گنج‌ها» اولین چیزی که مشخص است اینکه، از فردای تصویب هر کس می‌تواند بیل و کلنگی در دست بگیرد و در هر استان و منطقه‌ای به کاوش بپردازد



■ **سجاد مرسی**

طرح «استفاده بهینه از اشیای باستانی و گنج‌ها» که هفته گذشته در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و برای جمع کردن امضا در میان نمایندگان می‌چرخید، حالا جنجالی‌ترین پرونده کشور در صورت تصویب، می‌تواند چوب حراج بر اشیای تاریخی و میراث فرهنگی ایران باشد.

با تصویب طرح «استفاده بهینه از اشیای باستانی و گنج‌ها» از این پس قاچاقچیان می‌توانند در هر استانی به کاوش بپردازند و این بار بدون ترس، نه تنها اشیای مکشوفه را به نام خود ثبت کنند بلکه بر اساس این طرح، دیگر زحمت خارج رفتن و فروختن را هم نمی‌کنند و این خارجی‌ها هستند که تشریف می‌آورند!

■ ■ ■

هفته گذشته وقتی این طرح در مجلس شورای اسلامی برای امضا دست به دست شد، هنوز کسی نمی‌دانست چه جاعه‌ای در راه است. حتی از ۴۶ نماینده‌ای که آن را امضا کردند، پنج نفر با عذر بذر از گناه و اعلام اینکه طرح را نخوانده بودیم، امضای خود را پس گرفتند. به گفته منتخبان مردم در مجلس، طراح اصلی این طرح حجت‌الاسلام نصراله پژمانفر، نماینده مردم مشهد و کلات در حالی

به دنبال درج مهر فوریت برای آن بود که پس از چند روز وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرد: «هیچ اطلاعاتی از تهیه طرح مذکور جزئیات آن ندارم و به همین دلیل نظری در این مورد ندارم».

در مقدمه و دلایل توجیهی و ضرورت طرح که ۲۹ ماده دارد، آمده است: «بریکرد قانونی فعلی درباره گنج‌ها و آثار باستانی به نظر می‌رسد به لحاظ تجربه رخ داده در سنوات گذشته نیاز به بازنگری‌هایی داشته باشد. آنچه عملاً رخ داده، این است که بخش زیادی از میراث معنوی کشور به‌خاطر ترس از برخورد قانونی با در جابه‌جایی‌های پنهانی در خشکی و دریا نابود شده، گاهی فلزاتی که ارزش باستانی آنها هزاران برابر ارزش طلا یا نقره‌شان بوده تنها آب شده و به قیمت فلز خام فروخته شده است، گاهی نیز به نام بی‌خس به قاچاقچیان اشیای باستانی فروخته شده و سر از موزه‌های

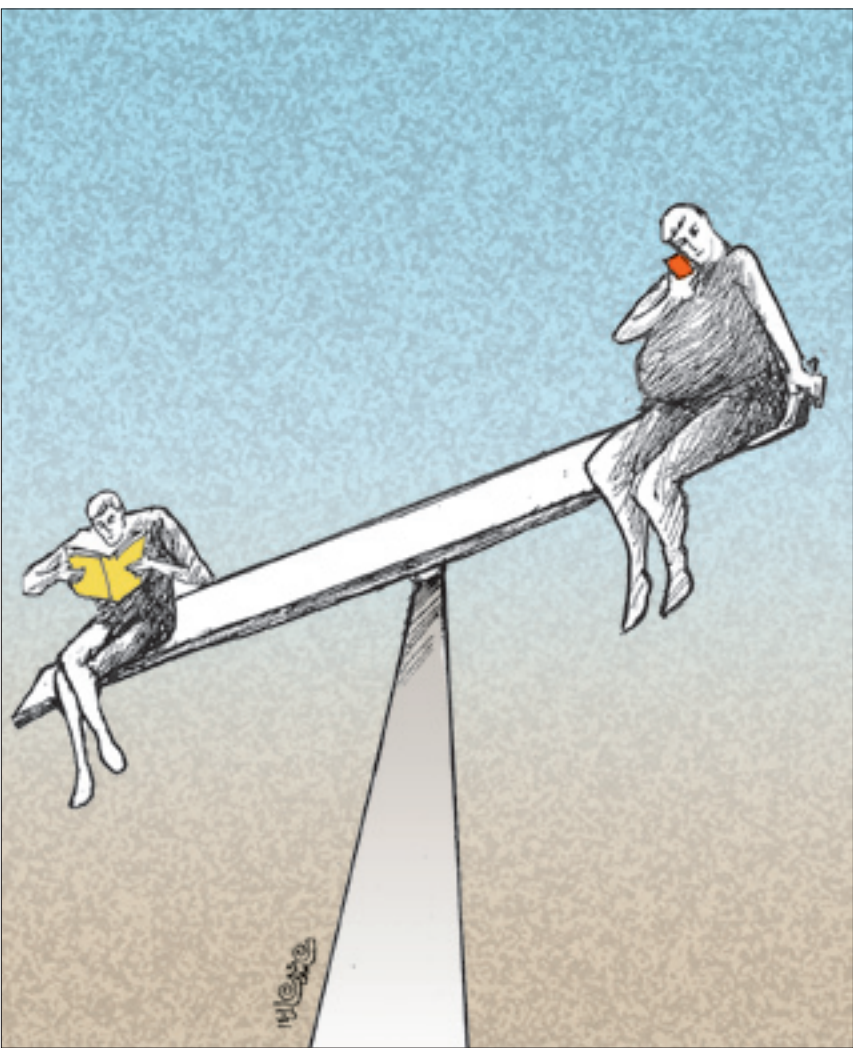
■ **حکمت**

روزنامه‌های

امیرالمؤمنین علیه‌السلام:

افراد عیباردار، دوست دارند عیوب مردم را پخش کنند تا بهانه‌ای برای معایب خویش فراهم آید.

غیر الحکم، (چاپ دانشگاه) ج ۴، ص ۳۴۰.



■ **فیلم**

نوید پارسا

در «باتوق فیلم کوتاه» مطرح شد

از بی‌ریشگی تهیه‌کنندگان تا مغفول بودن ظرفیت فیلم کوتاه

محمد تقی فهیم: پیشنهاد این است که انجمن سینمای جوانان رسماً از تهیه‌کنندگان برای حضور در این جمع‌ها دعوت کند تا بیابند و فیلم‌های کوتاه را ببینند. انرژی، استعداد، ذوق و سلیقه واقعی اینجاست



دومین جلسه از هفتمین فصل «باتوق فیلم کوتاه» با نمايش چهار فيلم کوتاه داستانی برگزار شد. به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی انجمن سینمای جوانان، در دومین جلسه «باتوق فیلم کوتاه» فیلم‌های کوتاه داستانی «خنده بی‌دلیل گوزن‌ها» به کارگردانی سجاد ایمانی، «جان داد» به کارگردانی سهیلا پورمحمدی و «دشنه» به کارگردانی سامان تفرشی به نمایش درآمد و با حضور محمدتقی فهیم منتقد سینما مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

هر بار فیلم کوتاه می‌بینم، آنچه را که از ابتدا من را عاشق سینما کرد، در فیلم کوتاه پیدا می‌کنم. اگر امروز سینمای بلند ما به این وضع دچار شده، به دلیل استفاده نکردن از این ذخیره است. همه فیلمسازان و تهیه‌کننده‌های قدیمی همیشه از زمین‌های خاکی استفاده‌ها را کشف می‌کردند و به میدان می‌آوردند. امروز اما تهیه‌کنندگان سینما و تلویزیون در دفاتر خود نشسته‌اند و نگاه‌شان همواره به فهرست مقابل‌شان است. نتیجه‌اش می‌شود همین سینمای فاقد ژانر و فاقد تنوعی که امروز شاهدش هستیم. وی افزود: تهیه‌کنندگان امروز ما گویی بر ریشه‌شده‌اند. پیشنهاد این است که انجمن سینمای جوانان رسماً از تهیه‌کنندگان برای حضور در این جمع‌ها دعوت کند تا بیابند و فیلم‌های کوتاه را ببینند. انرژی، استعداد، ذوق و سلیقه واقعی اینجاست. فهیم در ادامه درباره فیلم «جان داد» گفت: زمانی که داور جشنواره بودم، به این فیلم‌رای دادم و به آن جایزه دادیم، پس نباید از آن بدگوییم. این فیلم در بین آن فیلم‌هایی که دیدیم، بهتر بود و ویژگی‌های مثبتی داشت، اما وقتی از منظر نقد نگاه می‌کنیم، مسئله متفاوت از داورمی که کسی با این دختر همذات‌پنداری می‌کند؟ من به عنوان مخاطب این حق را ندارم. من در این فیلم بیشتر با مردم هم‌راه می‌شوم و همذات‌پنداری می‌کنم و این نقض غرض فیلمساز است. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین جای فیلم جایی است که پدر به دخترش می‌گوید اگر این ماهی‌ها را صید نکنم، چگونه می‌خواهی زندگی کنی؟ این اصلی‌ترین مسئله در همین جامعه امروز ماست. اتفاقاً فردوسی می‌سراید:

۱۲ **رویداد**

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی عنوان کرد

شاهنامه کتاب حکمت است نه اسطوره



مختلف به شاهنامه اشاره کرد و ادامه داد: حمدالله مستوفی نیز در ابیاتی از اشعار خود از خداوند طلب می‌کند که در کل ظفرنامه او بیتی باشد که چون فردوسی به عظمت آن بیت، او هم مغفور شود، البته شبیه به چنین تعبیری در اشعار عطار نیشابوری نیز در اسرارنامه آمده است. وی اضافه کرد: قاضی نورالله شوشتری (شهید ثالث) در کتاب مجالس‌المؤمنین می‌گوید: شبیه بودن فردوسی محرز است و در این مسیر به اشعار سعدی نیز استناد می‌کند و می‌گوید آنچه از اشعار فردوسی به دست می‌آید، چهار برابر کتاب بوستان سعدی حاوی «حکمت» است. در حقیقت شوشتری با استناد به ابیات سعدی بر پیوند حکمت با شاهنامه تأکید می‌ورزد. تذکره دولتشاهی سمرقندی آمده است: مسطور است که اکابر متفق‌اند که شاعری در مدت‌زمان روزگار اسلام از کتم عدم چون فردوسی یا به عر صه وجود نهاده است و شاهد عدل به صدق این دعوی کتاب شاهنامه فردوسی است که از ۵۰۰ سال گذشته تاکنون کسی را یاری جواب با شاهنامه نباشد...

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت شاهنامه را مطلقاً نباید کتاب افسانه و اسطوره دانست بلکه ایرانیان آن را کتاب «حکمت» و «خرد» می‌شمارند. حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در مراسمی که به مناسبت روز بزرگداشت ابوالقاسم فردوسی و گرامیداشت روز زبان فارسی برگزار شد، گفت: پس از همین دلیل بلندترین قله حکمت ما، صاحب حکمت متعالیه، ملاصدرا شیرازی، فردوسی را «حکیم قدوسی» خوانده است و مولانا نیز متأثر از اندیشه فردوسی می‌سراید:

زین هر هان سست عناصر دلم گرفت
شیر خدا و رستم دستام آرزوست

بنابراین ایرانیان شاهنامه را مطلقاً کتاب افسانه و اسطوره نمی‌دانند بلکه آن را کتاب «حکمت» و «خرد» می‌شمارند. استاد دانشگاه تهران افزود: اگر شاهنامه افسانه و اسطوره بود، در جهان حکمت، عرفان و اندیشه ما ظهور نمی‌یافت. ملاصدرا در اسفار اربعه به دلیل اینکه حکما اصطلاح «وجود» را از برای حق تعالی قلمداد کرده‌اند، به فردوسی استناد می‌کند. در میدا و معاد نیز برای اثبات حیات «روح» پس از مرگ و بقای «نفس» به کلام و حکمت فردوسی استناد می‌کند. اگر شاهنامه، افسانه بود، حکما و بزرگان ما آن را بزرگ نمی‌داشتند. همچنین جناب شهید ثالث نیز چنین تعبیر نمی‌کرد که شاهنامه کتاب رمزی است که معنا را در بطن خود مستتر دارد لذا این کتاب ایلیاد و ادیسه نیست و در بطن آن، بین حماسه و حکمت مرزی وجود ندارد. رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ادامه به نگاه شعرای قرون